



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۲۱ آبان ۱۴۰۰ - ۱۲ نوامبر ۲۰۲۱

در باره لینن و لنینیسم

با منصور حکمت در "مارکسیسم و جهان امروز"

بی بی سی و صد روزه اول دولت رئیسی،

پاسخ محکم اعتراض معلمان به هر دو!

صفحه ۴

رحمان حسین زاده

در باره دو قطبی کاذب "شورا - سندیکا"

صفحه ۵

سیاوش دانشور

باز هم درباره شورا

صفحه ۷

منصور حکمت

بهاره رهنما یک زینبی - سلبریتی فاشیست است

صفحه ۱۱

ملکه عزتی

پناهجویان قربانیان جنگ سرد بلاروس و اروپا

صفحه ۱۳

سعید آرمان

ستون اخبار

مبارزات کارگری

تهیه و تنظیم:

سپیده امیر عسگری،

آرش کلهر

برگزار میشود:

کنفرانس سالانه

سازمان سراسری

پناهندگان ایرانی

- بی مرز

حجاب اسلامی قاتل زنان

به یاد مرضیه طاهریان کارگر نساجی

آش شور "چند همسری"!!

سیاوش دانشور

اعلامیه حزب حکمتیست

اجتماعات امروز معلمان

"آموزش رایگان و با کیفیت حق

همه کودکان"

امروز پنجشنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۰ با فراخوان "شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران"، معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته اعتراض سراسری خود را با خواستههای مرکزی؛ "رتبه بندی شاغلان هشتاد درصد حقوق هیات علمی" و "همسان سازی بازنشستگان مبتنی بر قانون مدیریت خدمات کشوری" در ۲۲ استان برگزار کردند.

بنا بر گزارش منتشر شده توسط شورای هماهنگی، "فرهنگیان در استان #لرستان در شهرهای بروجرد، دورود، الیگودرز، کوهدشت، پلدختر و خرمآباد در استان #کردستان در شهرهای سقز، مریوان و سنندج در استان #خوزستان در شهرهای دزفول، ایذه، اندیمشک، بندرماهشهر و اهواز در استان #گیلان در شهرهای رشت و بندرانزلی در استان #فارس در شهرهای شیراز، نورآباد و ممسنی، داراب در استان #اصفهان در شهرهای اصفهان و شهرضا، استان #مازندران در شهرهای آمل و نکا، ساری و بابل در استان #همدان در

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

۱. بنا به آخرین گزارشات شورای هماهنگی، مجموعاً در تجمعات معلمان و بازنشستگان فرهنگی از ۲۹ استان و ۷۵ شهر برگزار شده است.



اجتماعات امروز معلمان

"آموزش رایگان و با کیفیت حق همه کودکان"...

شهرهای همدان و ملایر، در استان #بوشهر در شهرهای بوشهر و گناوه در استان #کرمانشاه در شهرهای کرمانشاه و سنقر در استان #خراسان شمالی در شهرهای بجنورد و شیروان برگزار گردید. همچنین تجمع در شهرهای زریندشت (#چهارمحال و بختیاری)، #قم، #ایلام، #تبریز، #یاسوج، #اراک، #بیزد، #زنجان و #بوکان (آذربایجان غربی)، #قزوین با استقبال معلمان روبرو شد. فرهنگیان استان #تهران و #البرز نیز امروز در میان تدابیر شدید نظامی و امنیتی در مقابل مجلس دست به تجمع زدند و در پایان مسیر مجلس تا میدان بهارستان را راهپیمایی نمودند."

این اجتماعات باشکوه علیرغم فشارهای امنیتی برای لغو آن طی هفته گذشته برگزار شده است. تجمع و تشکل حق بدیهی و پایه ای معلمان و همه بخشهای طبقه کارگر و شهروندان است. درود بر اتحاد و مبارزه معلمان! آموزش رایگان برای همگان! کالانی کردن آموزش موقوف!

آموزش یک حق است نه یک امتیاز!
مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۲۰ آبان ۱۴۰۰ - ۱۱ نوامبر ۲۰۲۱



ماهواره یاه ست
فرکانس: ۱۲۵۹۴
پولاریزاسیون: عمودی
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰
اف ای سی: ۳/۲

اطلاعیه

partow TV

بینندگان عزیز

از اول اکتبر ۲۰۲۱، کانال ماهواره ای "تلویزیون آنلاین آرتناویو شورایی" تلویزیون مشترک نیروهای چپ و کمونیست پخش خود را آغاز می کند.

از اول اکتبر، تلویزیون پرتو، رسانه تصویری حزب حکمتیست، برنامه های خود را از این کانال پخش می کند.

ساعات پخش به وقت ایران

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعتهای

۳:۳۰ تا ۴:۳۰

۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰

۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

مرگ بر جمهوری اسلامی!



در باره لنین و لنینیسیم

با منصور حکمت در "مارکسیسم و جهان امروز"

انترناسیونال: در مورد لنین و لنینیسیم چطور؟ آیا لنینیسیم نیازمند بازبینی نیست؟ آیا شما هنوز خودتان را لنینیسیت می دانید؟

منصور حکمت: زمانه طوری است که قبل از پاسخ به اینگونه سوالات باید بدوا مقولاتمان را تعریف کنیم. اگر بحث بر سر ارزیابی واقعی از لنین، صحت و اصالت نظرات و پراتیکش از نقطه نظر مارکسیسم، سهمش در تفکر و عمل انقلابی طبقه کارگر و نظیر اینها باشد، باید بگویم که البته من یک لنینیسیت هستم. بنظر من لنین یک مارکسیست اصیل با برداشتی اساسا درست از این نگرش و یک رهبر صالح جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر جهان بود.

لنینیسیم بعنوان یک لقب و "زیرتیتر" متمایز کننده جناحها و گرایشات معینی در جنبش موسوم به کمونیسم تاریخچه خودش را دارد و ابداع کنندگان اولیه این لقب در دوران استالین و یا جریاناتی که در انشعابات بعدی در بستر رسمی این کمونیسم عنوان مارکسیست لنینیسیت را برجسته کردند، از این عناوین درست مانند بسیاری از اصطلاحات مارکسیستی دیگر برای بیان اختلافات و منافع زمینی و عمدتا غیر سوسیالیستی ای سود جسته اند. بنظر من اینها نه فقط سوء استفاده هایی از اعتبار لنین بوده است، بلکه لنینیسیم به تعبیری که من از آن دارم کاملا در تقابل با اینگونه "لنینیسیتها" قرار میگیرد. سخن گویان بورژوا نیز به سهم خود می کوشند تا کل تجربه شوروی را بیای لنین بنویسند و آن را امتداد طبیعی خط مشی لنینی قلمداد کنند. این البته امروز بیشتر مد شده است. اینها فراموش می کنند که در روز خودش، در مقطع انقلاب اکتبر، حتی خود بورژوازی علنا به مقام لنین بعنوان یک انقلابی آزادی خواه و عدالت طلب اذعان کرده است. واقعیت این است که لنینیسیم نه در افکار و اعمال احزاب حاکم بر شوروی و چین و آلبانی و نه در تجربه اجتماعی و سیاسی شوروی نمایندگی نمی شود. این احزاب و این تجربه به مسخ تمام و کمال لنین و افکار و اهداف او بنا شده اند.

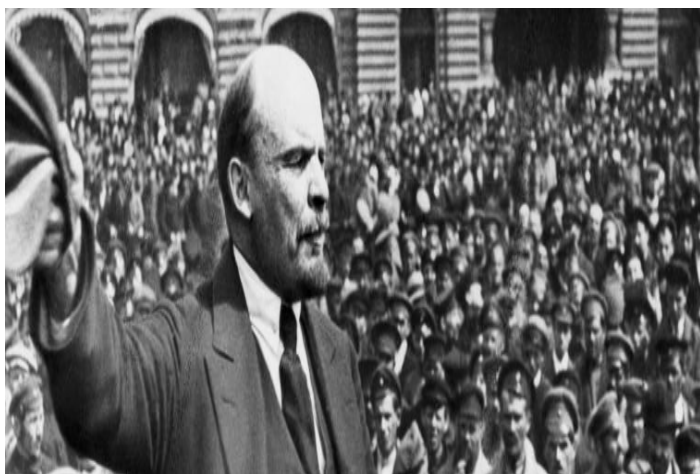
لنین نماینده برشور برابری و آزادی و انسانیت بود. دیکتاتوری و بوروکراسی و سرکوب ملی و صف نان و گوشت را با هیچ توجیهی نمی شود به لنین چسباند.

از نقطه نظر اندیشه و پراتیک مارکسیستی لنین مقام برجسته ای دارد. اینگونه فرمولبندیها که لنینیسیم، "مارکسیسم دوره امپریالیسم است" و غیره بنظر من پیش پا افتاده است. اهمیت لنین و سهم مشخص لنین در جنبش کمونیستی را باید در رابطه روشنی که او میان تنوری و پراتیک انقلابی برقرار می کند جستجو کرد. بنظر من لنین تجسم تمام و کمال وفاداری به تعبیر مارکس از کمونیسم بعنوان "ماتریالیسم پراتیک"

است. سهم ویژه لنین، درک نقش اراده انقلابی طبقه کارگر در سیر مادی جامعه سرمایه داری و درک دامنه عمل عنصر فعاله انقلاب کارگری بر زمینه عینیات اجتماعی در هر دوره است. لنین نگرش تکاملی و انفعالی حاکم به انترناسیونال دوم را عقب راند و همان تعبیر فعالی را از کمونیسم بدست داد که مورد نظر مارکس است. اگر بخواهم بحثم را ساده کنم، سوسیالیسم قبل از لنین عمدتا "ضروری بودن و اجتناب ناپذیر بودن" سوسیالیسم را از مارکس آموخته است. لنین "امکان پذیری" سوسیالیسم در این عصر را تاکید می کند و عملا دست بکار تحقق آن می شود. درک لنین از تاریخ و از نقش پراتیک انقلابی طبقات در تحول تاریخی عمیقا مارکسیستی است. لنین برای این پراتیک جا باز می کند و آن را سازمان می دهد. می داند که تعابیر بعدی و عمدتا خرده بورژوازی از اهمیت عنصر فعاله و عمل انقلابی به یک رگه ولونتاریستی، الیتستی و توطئه گرانه در سوسیالیسم منجر شد. اما هر مطالعه ساده نظرات و عمل سیاسی لنین نشان می دهد که او از این ولونتاریسم میراست. زیرا اولاً، عمل انقلابی برای لنین مفهومی اجتماعی و طبقاتی دارد و ثانیاً، لنین بهیچوجه از شرایط عینی و عینیات اجتماعی که دامنه پراتیک انقلابی طبقه را محدود و مشروط می کند انترزاغ نمی کند.

بنظر من برای هر کس که به سوسیالیسم نه بعنوان یک ایده آل تزئینی، بلکه بعنوان یک امر عاجل و عملی نگاه می کند، برای هر کس که به تحقق عملی سوسیالیسم و انقلاب کارگری فکر می کند، لنین بعنوان یک متفکر و رهبر سیاسی همواره یک منشاء غنی آموزش و الهام خواهد بود.

منصور حکمت: مارکسیسم و جهان امروز (۵،۶،۷).
مجموعه آثار، جلد هشتم. ۱۹۹۲-۱۹۹۷. ۱۳۷۶-۱۳۷۰.



زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

در یک نگاه

بی بی سی و صد روزه اول دولت رئیسی،

پاسخ محکم اعتراض معلمان به هر دو!

رحمان حسین زاده

رادیو و تلویزیون بی بی سی معرف حضور همگان روز قبل بساط

گمراه کننده "بررسی صد روز اول عمر دولت رئیسی" را پهن کردند. کارشناسان سطحی با مراجعه به آمارهای اقتصادی به بدتر شدن اوضاع اقتصادی، آن هم از دید سرمایه داران و سرمایه گذاران تاکید میکردند، و البته به گسترش فشار معیشتی بر "اقتشار پایینی" هم اذعان میکردند. از اینکه گویا رئیسی به وعده های انتخاباتی عمل نکرده و اصلا "برنامه مشخص اقتصادی" ندارد، آه و ناله سر میدادند. به تشدید دستگیریها و سرکوبگریها اشاره داشتند و گویا "حقوق بشر" رعایت نمیشود و در یک کلام در مقایسه با دولت روحانی از دولت رئیسی شاکی بودند.

این تمام هنر "اعتراضی" آنها در مقابل دولت قاتلان جمهوری اسلامی تحمیل شده به مردم ایران است. مسئله صرفا مقایسه ناشیانه و الگوبرداری مضحک با سنت و اراسی کارکرد صد روزه اول دولتها در کشور های غربی نیست، (در کشورهای غربی هم اساسا ادامه کمپین انتخاباتی و پدیده ای بی خاصیت و تبلیغاتی است). بلکه حرکت هدفمند رسانه ای نان به نرخ روز خور و توجه گر وضع موجود است. بدتر

توجیه گر کارکرد جمهوری اسلامی به ویژه آنزمان که به زعمشان دولتهای "اصلاح طلب و اعتدالی" سرکار بودند. اکنون در بررسی عملکرد صد روزه یکی از قاتلترین قاتلهای دولت جمهوری اسلامی و ابواب جمعی او به این نتیجه میرسند، در صد روزه اول دولت داری روحانی وضعیت بهتر بود. باید به اینها گفت این بساط را جای دیگری پهن کنید. کارگر و



مردم رنجیده ایران، جمهوری اسلامی را نه از روی کارکرد صد روزه این یا آن دولت، بلکه با گوشت و پوست خود حاکمیت سیاه ۴۳ ساله پر از رنج و مشقت جمهوری اسلامی را تجربه کرده و به مصاف طلبیده اند.

تجمعات اعتراضی هماهنگ و متحدانه روز پنجشنبه ۲۰ آبان بیش از شصت شهر ایران اتفاقا در همان صد روزه شدن عمر نکبت دولت رئیسی پاسخ محکمی به این دولت و صحنه گردانان بی بی سی و دیگر رسانه های بورژوازی است. تجمعات اعتراضی معلمان بخشی از پتانسیل اعتراضی قدرتمندی است که در میان ده ها میلیون کارگر از زن و مرد اعم از شاغل و بازنشسته و نیروی جوان آماده به کار و بیکار در جای جای کشور در حال فوران است. نبردهای سرنوشت ساز و تعیین کننده برای پایان دادن به حکومت جمهوری اسلامی در راه است. بی بی سی و امثالهم بهتر است برای اوضاع جدید حساب باز کنند.



سازمان سراسری پناهندگان ایرانی - بیمرز



کنفرانس سالانه سازمان سراسری پناهندگان ایرانی - بی مرز

اوضاع بین المللی پناهندگی به کدام سو می رود؟! سیاستهای دولت سوئد و بخشا سایر کشورهای اسکاندیناوی

سخنرانان:

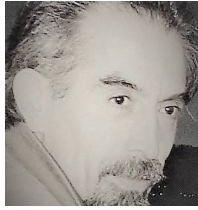
زمان و محل برگزاری:
شنبه ۱۳ نوامبر ۲۰۲۱
ساعت ۴ بعد از ظهر
محل برگزاری ساختمان سنسوس واقع در مدبوریارپلاتسن طبقه هفتم

خانم Anuta Sjunghamn وکیل امور مهاجرت در سوئد
سعید آرمان دبیر سازمان سراسری پناهندگان ایرانی - بی مرز
عمر مینایی شورای پناهندگان ایرانی ترکیه
احمد پوری مسئول سازمان پناهندگی پراید
دستی جمال دبیر فدراسیون پناهندگان عراقی

شماره های تماس:
محمود محمدزاده
صبا پرمهر
۰۷۳۶۲۲۸۷۲۶
۰۷۲۲۶۱۲۲۰۱

شرکت برای عموم با رعایت پروتکل های بهداشتی در مورد کووید ۱۹ آزاد است.
این جلسه همزمان از طریق شبکه های اجتماعی پخش خواهد شد

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!



"دو قطبی شورا- سندیکا"

واقعیت اینست که نه امروز و نه در ده های گذشته از جانب ما و فعالین سنت شورائی و در خود مباحث شورا و مجمع عمومی، مطلقاً چنین دو قطبی ای تعریف نشده است. این دو قطبی دست ساز است. این دو قطبی دلیل و هدف سیاسی داشته و دارد. کسانی که

میخواستند در هر حال سیاست شان را با سندیکالیسم و قانونگرائی و امکان گرائی کوک کنند، علیه این "دو قطبی" ناموجود موضع گرفتند تا از سنت شورائی کارگری فاصله بگیرند.

در بحث منصور حکمت برسر شورا و سندیکا و ایجاد سازمانهای توده ای کارگران مطلقاً چنین دو قطبی ای وجود ندارد، اصولاً چنین نقطه عزمی وجود ندارد. آنجا بحث برسر دو سنت مبارزاتی متمایز از جانب دو گرایش در جنبش کارگری برای تشکل و اتحاد کارگران است. نقد از موضع کارگر کمونیست و سوسیالیست به خط مشی سندیکالیسم و رفرمیسم است و نه تقابل با خود "سندیکا یا اتحادیه" بعنوان سازمان کارگری. در همین بحث و اسناد دیگر بر تشکل سندیکا در کارگاههای کوچک و صناعی که سندیکا شکل مناسب تری برای تشکل کارگران است تاکید شده است. بر ایجاد سندیکاها و همکاری با شوراها اشاره شده است. لذا این "دو قطبی" در بحث منصور حکمت و مباحث ما وجود نداشته و ندارد.

به موردی از برخورد منصور حکمت در مباحثات زمستان سال ۱۳۶۶ در حزب کمونیست ایران به سندیکا توجه کنید و با این "دو قطبی" درآوردن های اختیاری مقایسه کنید:

"... در مورد سندیکا و ایده "یک چیزی بگوئید که بشود گرفت" چند کلمه بگویم. اولاً، سندیکا آلترناتیو شورا نیست، شورا هم مزاحم ایجاد سندیکا نیست. اینکه چرا در ایران سندیکای مستقل از دولت نداریم، سؤالی است که پاسخش را باید جنبش سندیکایی پیدا کند و برای همه ما توضیح بدهد. اگر از من بپرسند، میگویم در ایران سندیکالیسم یا نمیگیرد برای اینکه سندیکا، بخصوص در دوره و زمانه ما محصول جنبش عمل مستقیم کارگری نیست، بلکه جزئی از یک مدل اداری-سیاسی در جامعه است. سندیکا بخشی از یک توازن و حتی توافق وسیعتر در جامعه میان دو سوی خرید و فروش نیروی کار در بازار است. سندیکا بعنوان بخشی از یک رژیم و نظام سیاسی خاص امکان شکفتن و تداوم داشتن دارد. بدون پارلمان، بدون سوسیال دموکراسی، بدون تقدس بازار، بدون سنت قوی قانونگرایی بورژوازی در جامعه، بدون ثبات سیاسی و بطور خلاصه بدون یک مجموعه روابط سیاسی، اداری و حقوقی در جامعه که اتحادیه کارگری بخش موجه و پذیرفته شده‌ای از آن تعریف شده باشد، سندیکاسازی راه بجایی نمیرسد. حتماً بعضی در نقد این نظر مثال سندیکاهای انقلابی در برخی کشورهای دیکتاتوری و یا اتحادیه‌های آفریقایی جنوبی را پیش خواهند کشید. اما این مثالها مربوط نیست، چون قرار بود دوستان سندیکاساز ما شدنی بودن و

در باره دو قطبی کاذب "شورا- سندیکا"

سیاوش دانشور

در جریان مباحث جاری برسر مجمع عمومی سندیکا، شورا و تشکلهای توده ای طبقه کارگر، بار دیگر توسط مخالفین آشکار و پنهان و دو دل مجمع عمومی، مجدداً فرمول "دو قطبی شورا- سندیکا" بجلو رانده شد. ظاهراً ما که همراه کارگران پیشرو از سنت شورائی و مطلوبیت مجمع عمومی و ضرورت گسترش جنبش مجمع عمومی سخن گفتیم، بین شورا و سندیکا تقابل ایجاد کردیم!

قبل از توضیح مجدد شیوه برخورد ما لازم است صورت مسئله را مرور کنیم و به حقایق پایبند باشیم. آنچه رخ داد این بود که کارگران قهرمان هفت تپه در متن یک اعتصاب و اعتراض نفسگیر برسر تعیین تکلیف مبارزات چند ساله شان و مشخصاً وضعیت شرکت در جوش و خروش بودند. هر روز مجمع عمومی کارگران سیاست و جهت را تعیین میکرد و بجز کشمکش با دولت و نهادهای ذیربط با کسی درگیر نشده بودند. آنها حتی یکبار و حتی یک کلمه راجع به سندیکا و هیچ بنی بشری سخن نگفتند و ضرورتی هم نداشت سخن بگویند. نه سندیکائی مانع کارشان بود و یا سیاست متفاوتی داشت و نه مشغله آنها اصولاً این بود. اما درست در همین موقع که کارگران به بیشترین حمایت از سوی هم طبقه ای هایشان نیاز دارند، دوستان عزیز از سندیکالیست ها و فعالین کارگری جلساتی با موضوع تشکل کارگری برگزار کردند که بگویند "مجمع عمومی تشکل نیست" و این کارگران عاصی و گرسنه فقط حقوق میخواهند. هر جمعی را نباید "مجمع عمومی" نام گذاشت و کارگران نیازمند "تشکل پایدار" هستند و آن سندیکا است.

پاسخ ها هم چه از جانب کارگران هفت تپه و چه از جانب ما و فعالین جنبش شورائی نیز، نه تقابل با سندیکا یا هر ارگان و نهاد کارگری مستقل بلکه در نشان دادن صمیمانه مطلوبیت مجمع عمومی و ایراد به همین بحث بی موقع و غیر موجه بود. بحث در مورد سازمان و تشکل طبقه کارگر در تمام سطوح همواره معتبر است و هر فعال و رزمنده صف مبارزه کارگری علیه وضع موجود با دل و جان به آن گوش میدهد. اما در گرماگرم اعتصاب در یکی از مهمترین سنگرهای مبارزه کارگری که روی دوش مجمع عمومی و سنت شورائی صورت میگیرد، به صف شدن برای هیچ شماردن مجمع عمومی و جبهه گیری برسر "مجمع عمومی تشکل نیست" و "شورا هم مال دوره انقلابی است"، بطور قطع کمکی به تشکل و اتحاد طبقه کارگر نمی کند. دوستان ظاهراً بسرعت متوجه شدند و به خاکریزهای دفاعی در نقد "ایجاد دو قطبی های کاذب" روی آوردند! بعضاً در پایان هم گفتند که خودمان هم شورائی کار می کنیم! چون اختناق اجازه نمیدهد که سندیکا مجمع سالیانه اش را برگزار کند. خب اگر اینطور است اساساً بحث "سندیکا تشکل پایدار است" و "مجمع عمومی تشکل نیست" آنهم در وسط اعتصاب برسر چه بود؟ کدام دستاورد فکری و رهنمود عملی برای متحد کردن طبقه ما داشت؟ بگذریم!

در باره دو قطبی کاذب "شورا- سندیکا"...

"قابل گرفتن" بودن سندیکاهای متعارف را نشان بدهند. شک داریم کسی بتواند اجازه سندیکای انقلابی را از مسئولین و مامورین تقسیم معجون جامعه مدنی در ایران بگیرد.

با اینحال هر فعال جنبش کمونیسم کارگری مدافعان سندیکا را تشویق میکند که اگر چیزی را میشود "گرفت" حتما بگیرند. قبلا هم گفته‌ام، ما هیچ دو خشتی که کارگران روی هم گذاشته باشند را بر نمی‌چینیم. ما آلترناتیو خود را تبلیغ میکنیم و میکوشیم کارساز بودن و عملی بودن آن را نشان بدهیم، کاری که انتظار داریم سندیکائی‌ها هم بکنند. بنظر من ابا ما نباید برخوردمان را به اتحادیه‌گرایی در کشورهای جهان سوم تند کنیم. یادمان باشد داریم در مورد طبقه کارگری حرف میزنیم که در قلمرو سیاسی و اقتصادی بشدت تحت سرکوب و حمله است و به زور از حداقلی از تشکل برای ابزار وجود صنفی و سیاسی برخوردار است. نشان دادن ناتوانی تاریخی اتحادیه‌ها بنظر من باید با ارجاع به سنت اروپا و آمریکا انجام بشود...".

حرف منصور حکمت روشن است و هیچ دو قطبی هم از آن نمیتوان بیرون کشید. کسی هم جلسه نگذاشته که علیه سندیکائی که کارگران ساخته اند حرف بزند! با اینحال این "دو قطبی" از کجا آمده است؟ این دو قطبی را از ابتدا کسانی طرح کردند که در مقابل بحث جنبش شورائی گفتند: "شورا مال دوره انقلاب است و الان سندیکا باید

ساخت". ما چنین تلقی ای نداریم و البته این یک وجه اختلاف ما هواداران این دیدگاه است. این دو قطبی را کسانی بوجود آوردند که گفتند: "مجمع عمومی که تشکل نیست". ما میگوئیم مجمع عمومی منظم شورای پایه در فابریک و محل کار است. این دو قطبی را چپ ایران بوجود آورد تا دفاع از سندیکالیسم را توجیه کند. چپی که با سنت عمل مستقیم کارگری اگر صریحا مخالف نباشد، اما سندیکا را ترجیح میدهد و ایجاد تشکل کارگری را اساسا معادل ایجاد سندیکا میداند. حتی آنجا که کارگران به مجمع عمومی متکی میشوند و دستجمعی در امرشان دخالت میکنند، از تاکید بر اهمیت این موضوع و توضیح چرائی آن آگاهانه امتناع میکند. از خود نمی‌پرسد چه دلیلی دارد که بیشتر مبارزات کارگری به مجمع عمومی متکی است. در بهترین حالت میگوید: "مجمع عمومی در حین مبارزه تشکیل میشود اما تشکل نیست". تلاش هم نمیکند که این مجامع عمومی را گسترش دهد و منظم کند و بعنوان شورای پایه تثبیت و تحمیل کند. فعال این سنت سیاسی و مبارزاتی نیست. دو قطبی "شورا - سندیکا" در مباحث مجمع عمومی - شورا وجود نداشت اما توسط کسانی که مخالف سنت شورائی بودند ایجاد شد. این دو قطبی کاذب برای گویندگانش این خاصیت را داشت که از نظر سیاسی موثلف سندیکالیسم شود و علیه گرایش رادیکال و شورائی بایستد بدون اینکه زیاد توی ذوق بزند.

بحث را باید سرچایش برد. طبقه کارگر در تمام سطوح به سازمان و تشکل برای مبارزه تعیین کننده اش نیاز دارد. سوال این بود و هست که با مجموعه تجارب و شرایط موجود و همه محدودیتهای تحمیلی، کدام نقشه راه و سیاست و خط مشی به تشکل و اتحاد طبقه کارگر کمک می‌کند و تجربه عینی و واقعی کارگران چه می‌گوید.

۲۰ آبان ۱۴۰۰

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم،

بدون «خطر» سوسیالیسم،

به چه منجلابی تبدیل میشود!

منصور حکمت

آموزش رایگان برای همگان!

آموزش یک حق است نه یک امتیاز!



باز هم درباره شورا

منصور حکمت

در نوشته قبلی ("در مورد مسائل گزری بحث شورا و سندیکا") و متعاقبا در جلسه هیات تحریریه مرکزی رئوس دلایلی را در مورد ارجحیت ایده شورا و مجمع عمومی (در مقایسه با حرکت اتحادیه‌ای) ارائه کردم. یکی از نواقص بحث، که توسط رفقا خاطر نشان شد، این بود که ایده شورا و مجمع عمومی، در مقایسه با ایده اتحادیه‌های کارگری که مفهومی شناخته شده و تجربه شده است، بویژه از نظر فعالیت آن در مقیاس سراسری هنوز ناپخته و نامعین است. "مجمع عمومی نمیتواند چیزی بیشتر از یک تشکل توده‌ای محلی باشد". قرار بر این شد تا در ادامه بحث ما، طرفداران ایده شورا دورنمای سراسری طرح خود را ارائه کنیم. چگونه میتوان جنبش شورائی، متکی بر ایده مجمع عمومی، را در مقیاس سراسری مجسم کرد و تا چه حد چنین ایده‌ای قابلیت مادیت یافتن دارد.

این نوشته حاوی رئوس پاسخ ما به این سؤال است. ابتدا تصویری از ساختمان سراسری جنبش شورایی مورد نظر خود بدست می‌دهیم و سپس رابطه این تصویر تجربیدی را با واقعیات موجود در جنبش کارگری ایران بحث می‌کنیم.

شوراها بعنوان یک آلترناتیو در سازمانیابی سراسری کارگری

۱- در تمایز با اتحادیه‌های کارگری، که مبنای آنرا سازمانیابی صنفی یا رشته‌ای تشکیل می‌دهد، سازمان سراسری شورایی متکی به بهم پیوستن و اتحاد عملی شوراها، کارخانه‌ای و کارگاهی در یک جغرافیای اقتصادی و اداری معین است. شوراها، شوق‌های شرق و شوراها، گیلان، نمونه‌هایی از این نوع سازمانیابی فراکارخانه‌ای شوراها را بدست داده‌اند. این بدان معناست که پایه‌ای‌ترین سلول جنبش سراسری شورایی، همچنان خود یک شورای تمام عیار است. عبارات دیگر سازمان سراسری شوراها، در نهایت چیزی جز یک هرم سازمانی متشکل از شوراها نیست. در مورد نحوه ایجاد این هرم سازمانی و خصوصیات آن میتوان دگم نبود. مساله اساسی درک این مساله است که چنانچه واحد پایه شورا بعنوان یک پدیده معتبر شناخته شود، آنگاه ایجاد یک سازمان سراسری شورایی، که بتواند کل کارگران را نمایندگی کند، ناممکن نیست. در عمل سیر مبارزه کارگری، خصوصیات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه و عوامل متعدد دیگر مشخصات عملی هرم شوراها، نحوه ارتباط هر شورا با کل سازمان سراسری، موازین این اتحاد سراسری و غیره را تعیین خواهد کرد. آنچه ما اینجا طرح می‌کنیم، یک الگوی شماتیک تجربیدی، اما از لحاظ عینی قابل ایجاد، برای سازمانیابی سراسری شوراها است.

۲- شورای پایه همان مجمع عمومی سازمانیافته است. این ایده برای حزب ما آشناست و لزومی به توضیح آن نیست. چند نکته را میتوان برای روشنی مطلب اضافه کرد:

الف- قاعدتا اندازه‌های کمی (تعداد اعضاء واحدی که یک شورا در

آن تشکیل میشود و غیره) تابع عوامل فیزیکی و سیاسی مختلفی است. کارخانه ۲۰۰۰۰ نفری نمیتواند یک شورای پایه (یک مجمع عمومی) داشته باشد. بطور واقعی نیز چنین کارخانه‌ای از لحاظ سیاسی هم ارز یک کارگاه ۵۰ نفری نیست. این دشواری‌ای در طرح شورایی بوجود نمیآورد. در عین اینکه کارخانه مورد نظر میتواند یک

شورا داشته باشد، این شورای واحد میتواند شورای نمایندگان مجامع عمومی قسمت‌ها باشد. این شورا میتواند ۴۰ برابر تعداد نمایندگانی که کارگاه ۵۰ نفره به ارگان بالاتر میفرستد، نماینده بفرستد و غیره. بحث شورای متکی به مجمع عمومی در حل این مساله با دشواری روبرو نیست.

ب- مجمع عمومی سازمانیافته به معنی مجمع عمومی همیشه دائر نیست. مجمع عمومی، شورا و منشاء قدرت آن است. اما سازمان اداری شورا از مقاماتی تشکیل میشود که توسط مجمع عمومی انتخاب میشوند. در طرح مقدماتی ما، همه این مقامات را در یک کمیته اجرایی شورا، که در فاصله دو نشست امور مربوط به شورا را حل و فصل میکند، جلسات شورا را اداره میکند و به مجمع عمومی گزارش میدهد، خلاصه می‌کنیم. بنابراین شورای پایه یک سازمان است که در آن تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و اجراء میتواند مانند هر سازمان دیگر بطور پیوسته و مستمر سازمان یافته باشد. کمیته اجرایی شورای یک کارخانه، معادل اداری مقامات اتحادیه‌ها در کارخانه است.

ج- خاصیت اساسی شورای پایه، اعمال دموکراسی مستقیم است. یکی از تفاوت‌های اساسی جنبش شورایی با جنبش اتحادیه‌ای وجود این دموکراسی مستقیم در سطوح مختلف است و همین است که آن را در اساس از انحرافات بوروکراتیکی که اتحادیه‌ها به آن دچار میشوند مصون میکند.

۳- در سطح بالاتر از فابریکها، ما شورای نمایندگان شوراها را خواهیم داشت (در عمل این میتواند کانون شوراها، فلان منطقه و غیره اسم بگیرد یا هر چیز دیگر، بحث بر سر محتوای واقعی این شورای عالیتر است) خود این شورا نیز یک مجمع عمومی متشکل از نمایندگان شوراها، پایه، با خواص مجمع عمومی پایه است. این شورا نیز کمیته اجرایی و مقامات اداری "دائمی" (در تمایز با مجمع عمومی که نشست‌های هر چند وقت یکبار دارد) خود را انتخاب میکند. مصوبات شورای عالیتر برای شورای پایینتر لازم الاجراست. در واقع با ایجاد شوراها، عالیتر، نمایندگی کارگران در برخی مسائل به آنها منتقل میشود و از حیثه اختیارات شورای پایه حذف میشود (البته در حالت ایده آل-والا در شرایط واقعی تمام قوانین مبارزه و کشمکش میان نیروهای واقعی اینجا هم حکم میکند) و لذا با تعریف و تفکیک اختیارات هر شورا، لاقول روی کاغذ، حیثه نفوذ تصمیمات هر یک معلوم میشود.

نمایندگان شورای بالا، از مجمع عمومی شورای پایین انتخاب میشوند و توسط همین ارگان قابل فراخواندن و تعویض هستند. شورای بالا نیز به نوبه خود نمایندگانی را برای شورای بالاتر انتخاب میکند. حق عزل و نصب شورای پایین تر فقط در یک حلقه وجود دارد (یعنی

باز هم درباره شورا ...

پایه الگوی حرکت کل سازمان را تعیین میکند. اگر تشکیل اتحادیه ها در عمل بصورت جذب کارگران از لحاظ حقوقی بی سازمان به اتحادیه از پیش تعریف شده صورت میگیرد، سازمان سراسری شوراهای حاصل اتحاد عملی شوراهای است که حتی در افراد خود شورا هستند. جنبش شورایی تنها بعنوان جنبش شوراهای میتواند بوجود آید و لذا از پایین به بالا ساخته میشود. (و یک نقطه قدرت آن در شرایط ما همین است).

جنبش مجمع عمومی ها، نقطه حرکت اصولی و واقعی

طرفداران ایده سندیکا در خارج از حزب به تناقضات معینی برخوردند اند که ناگزیرشان نموده عمدتا به ایده سندیکاهای مخفی متوسل شوند. در واقع در مقابل بحث شوراهای متکی به مجمع عمومی ایده هیات موسس های مخفی سندیکا وجود دارد. صورت مساله به این ترتیب عملا تغییر کرده است بحث قرار بود بر سر شکل توده ای کارگران باشد، مدافعان سندیکا فعلا از خیر این گذشته اند.

در مقابل، طرح جنبش شورایی راه حل واقعی به مساله نشان میدهد. واقعیات دوره اخیر مبارزه کارگری بر این عوامل تاکید کرده است:

۱- کارگر ایرانی در این مقطع با سهولت بسیار بیشتری قادر به سازمانیابی در سطح محلی جغرافیایی است تا سطح صنفی و رسته ای (حتی شوراهای اسلامی رژیم ناگزیر شده اند مبنا را بر جغرافیا بگذارند).

۲- ساختمان اداری پیچیده در قیاس با ابزارهایی (نظیر مجمع عمومی) که بتواند به سرعت به ظرف عمل مستقیم کارگران تبدیل شود، از شانس موفقیت بسیار کمتری برخوردارند. هم امروز ایده مجمع عمومی برای کارگران بسیاری جا افتاده است و مجمع عمومی پدیده شناخته شده ای در میان کارگران است.

۳- تمام اخبار جنبش کارگری حاکی از رویارویی سازمانهای زرد با تجمعات و مجامع عمومی کارگری است. عملا در برابر سازمانهای زرد، کارگران اجتماع اعتراضی خود را، غالبا حتی تحت نام مجمع عمومی، قرار داده اند.

۴- کلیه احزاب سیاسی اپوزیسیون (مدعی سوسیالیسم) ایده مجمع عمومی را پذیرفته اند.

۵- سطح کنونی مبارزه کارگران ایران، سطح اقدام سراسری نیست و حتی در بهترین حالت اقدام همزمان و مشابه محلی، از طریق اجتماعات فابریکی-منطقه ای است. رهبری سراسری نیست، موضوع مبارزه (نظیر قانون کار و بیمه بیکاری) عمومی است. اما رهبری محلی است و عمدتا از طریق اجتماعات مستقیم کارگری اعمال میشود.

۶- پیدایش رهبران سرشناس کشوری، در خارج جریان سازمانهای زرد، در کوتاه مدت مقدور نیست. این رهبران اولاً: امکان ابراز وجود در این مقیاس را ندارند. (دسترسی به رسانه های جمعی، امکان سخنرانیهای خارج کارخانه ای و سراسری، طرف قرار گرفتن از جانب کل کارگران با دولت) و ثانياً: به سرعت سرکوب میشوند. مساله رهبری محلی یکی از دادههای امروزی جنبش کارگری است که

اگر نماینده کارخانه A در شورای منطقه B به نمایندگی این شورا در شورای استان C انتخاب شد، دیگر کارخانه A حق فراخواندن او را ندارد، بلکه این از حقوق شورای سطح B است) شورای محلی با انتخاب نمایندگان قبلی خود به شوراهای دو مرحله بالاتر، باید آنها را جایگزین کند. در صورت عزل اینگونه نمایندگان، آنها یکسره به پایین ترین شورایی که هنوز اعتبارنامه شان را قبول دارد رجعت میکنند. (به دو مرحله پایین تر. در مثال بالا، کسی که از B به C انتخاب شده - و در B توسط A جایگزین شده - با عزل توسط B به مجمع عمومی A برمیگردد).

۴- این سلسله مراتب شوراهای و شوراهای نمایندگان تا هر درجه که لازم باشد بسط مییابد. ممکن است نمایندگان شوراهای چندین کارگاه کوچک ابتدا در یک شورای بزرگتر جمع شوند و سپس تنها یک نماینده، هم ارز نماینده مستقیم یک کارخانه بزرگ، به شورای منطقه ای بفرستند. این تابعی از قرار و مدار و توافقات خود شوراهای و جزئی از هر نوع سازمانیابی کارگران است و پیچیدگی ای در عمل بوجود نمیآورد. در این شبکه، بهر حال، هر می از شوراهای و به موازات و متصل به آن، هر می از کمیته های اجرایی شوراهای بوجود میآید. شبکه های مجامع عمومی، شبکه های تصمیم گیرنده، سیاست گذار و "مجمعی" هستند و شبکه های کمیته اجرایی ها (و مقامات ستادی هر مجمع عمومی) سازمان اداری جنبش شورایی سراسری را میسازند. در راس این هرم شورای سراسری و کمیته اجرایی شورای سراسری قرار میگیرد.

۵- سیستم شورایی وجود اتحادیه ها و اتحاد آنها در این شوراهای یکسره منتفی نمیکند. برای مثال میتوان تصور کرد که در اصناف معینی که اتحادیه فرم مناسب تشکل آنهاست (کارگران ساختمانی منفرد، کارگران خدمات خانگی، رانندگان بنگاههای ترابری کوچک و...) در سطوح معینی نمایندگان خود را به شوراهای نمایندگان بفرستند و بعبارت دیگر وابستگی خود را به سازمان شورایی سراسری اعلام کنند. در اینحالت یک شرط حیاتی، اتکاء این سازمانها به مجامع عمومی و رای عمومی اعضاء و قابل عزل و نصب بودن مقامات آنها توسط انتخاب کنندگان مستقیم خواهد بود. سیستم شورایی همچنین این امکان را دارد که طبقه کارگر و زحمتکشانش دیگر را در جهات دیگر و در هیاتهای اجتماعی دیگر به خود متصل نگاهدارد. شوراهای "روستایی" و یا شوراهای سربازان، میتوانند در سطوح معینی به این جنبش متصل شوند. (جنبش تعاونی های کارگری و غیره نیز میتواند جای خود را در وابستگی به این شبکه پیدا کند). به این ترتیب سیستم شورایی امکانات بسیار وسیعتری را برای ایجاد یک اتحاد سیاسی وسیع در درون طبقه کارگر بوجود میآورد که تاریخ اتحادیه ها به انجام آن مایل نبوده اند و یا از آن ناتوان بوده اند.

همانطور که گفتیم طرح سراسری شوراهای (همچنان که طرح سراسری اتحادیه ها)، در این مقطع بناگزی طرحی تجریدی است. آنچه مورد نظر ماست تاکید بر اینست که جنبش شورایی بخوبی امکان ابراز وجود بعنوان یک آلترناتیو سراسری با ساختار اداری ادامه کار را دارد. خصلت شورایی این جنبش اساسا از پایین به بالا سرایت میکند. شورای

عمومی" در دستور میگذارد.

باز هم درباره شورا ...

۵- تعلق جنبش مجمع عمومی به جنبش شورایی شاید هنوز مساله بازی باشد. شاید طرفداران اتحادیه نیز این فاز را فازی در کار اتحادیه سازی تلقی کنند (که فعلا چنین برنامه ای ندارند). اگر چنین شود، چه بهتر. اما مشخصات این مجامع آنها را برای تبدیل شدن به پایه های جنبش شورایی بسیار مناسب تر میکند. کار بعدی ما، پس از این مرحله تلاش در طی کردن مراحل زیر خواهد بود:

- ۱- منظم کردن مجامع. تشکیل هیات اجرایی.
- ۲- اطلاق نام شوراهای کارگری به اینها.
- ۳- برسمیت شناخته شدن توسط (تحمیل شدن آنها به) دولت. شخصیت حقوقی یافتن مجامع.
- ۴- تشکیل ارگانهای هماهنگی میان مجامع بعنوان پایه های شورای نمایندگان.
- ۵- تشکیل شورای نمایندگان در سطح منطقه‌ای و هیاتهای اجرایی مربوطه.
- ۶- تشکیل فراکسیون های کمونیست (مخفی و اعلام نشده) در درون مجامع، قرار گرفتن آژیتاتورهای حزبی در راس مجامع و غیره.
- ۷- وجود نشریات، مصوبات و غیره به اسم مجامع، شوراها و یا شوراهای نمایندگان.
- ۸- گسترش اختیارات شبکه شوراها در امور کارگری و قرارداد دسته جمعی.

بعنوان شعارهای تبلیغی و عبارات کلیدی در این دوره باید اینها را بگوییم: "جنبش مجمع عمومی"، "منظم شدن مجمع عمومی"، "شورای اسلامی نه، مجمع عمومی کارگران"، "تشکیل هیات اجرایی مجامع عمومی"، "مجمع عمومی سازمانیافته شورای واقعی کارخانه است"، "سیاست ما دامن زدن به جنبش مجمع عمومی کارگری است"، "مجمع عمومی اراده مستقیم کارگران را بیان میکند"، "مجامع عمومی کارگری باید با هم تماس و ارتباط بگیرند"، "تنها مجمع عمومی کارگری و نمایندگان آنها حق عقد قرارداد از جانب کارگران را دارند" و غیره. در یک کلام زبان تبلیغی‌ای که مجمع عمومی را نه بعنوان پدیده های ایزوله، بلکه بعنوان یک جنبش کارگری برای ایجاد ارگانهای تصمیم گیری توده ای کارگری مجسم کند.

موخره: تکرار برخی استدالات

طرح جنبش شورایی طرح نوظهوری نیست. همین پروسه عملا در جنبش شورایی در روسیه طی شد. جنبش شورای (و کمیته کارخانه ای) کارگران خود روشی در سازمانیابی کارگری است که به موازات (و نه در تداوم) جنبش اتحادیه کارگران ایجاد شده و وجود داشته است. این البته یک واقعیت است که ما بروز علنی و گسترده این جنبش را در دوره های انقلابی مشاهده کرده ایم. سوالی که باید به آن پاسخ داد اینست که آیا این سرنوشت محتوم جنبش شورایی است؟ آیا این خصلت دورانی و گسستگی در پراتیک شوراها ناشی از خواص در خود و یا موانع و ضعفهای در شکل سازمانی این جنبش است، یا عوامل دیگری (که چه بسا در ایران امروز- یا حتی در دوران حاضر- موجود نباشند یا حتی برعکس باشند) مانع تبدیل جنبش شورایی به یک آلترناتیو دائمی جنبش سندیکایی شده اند. بنظر من، بدون اینکه بخواهم اصرار

در هر طرح سازمانیابی کارگری باید ملحوظ شود (بنظر من اتحادیه کارگران ماشین ساز را نمیتوان برای مثال با یک هیات موسس صرفا آذربایجانی در تبریز ایجاد کرد، یا در ناسیونال، یا...) ...

تمام اینها، و فاکتورهای متعدد دیگر، حاکی از اینست که سازمانیابی سراسری کارگران باید امروز از سطح محلی شروع شود. این سازمانیابی باید بعلاوه از هم اکنون توده ای-علنی باشد. همه این عوامل به یک چیز اشاره میکند و آن مجمع عمومی است. ما باید طرفدار جنبش مجمع عمومی ها باشیم و این جنبش را، که هم اکنون عملا در شکل ابتدایی وجود دارد، رشد بدهیم. سازماندهی جنبش مجمع عمومی گام اول در راه ایجاد یک حرکت شورایی سراسری است.

جنبش مجمع عمومی یعنی چه؟

شاید توضیحات زیر مساله را ملموس تر کند.

۱- این سطحی از سازمانیابی شورایی است که در آن هنوز اولاً، کارگران از شورای پایه فراتر نرفته اند. تجمع نمایندگان هنوز مقدور نیست. ثانیاً، مجمع عمومی نه بعنوان شورای کارخانه، بلکه بعنوان مجمع عمومی و در نقش ارگان آلترناتیو سازمانهای زرد کارخانه ای عمل میکند، و ثالثاً، مستقل از درجه ارتباط عملی و فنی مجامع عمومی باهم، ایده صلاحیت مجمع عمومی بعنوان ارگانهای مستقل و معتبر کارگری تا درجه ای اشاعه یافته است و رابعاً، تماسهای مقدماتی میان نمایندگان مجمع عمومی با یکدیگر برای جلب همبستگی و کسب اطلاعات آغاز شده است.

۲- به رسمیت شناخته شدن مجمع عمومی توسط دولت، بعنوان ارگان تصمیم گیری، هنوز مد نظر نیست. مساله اساسی اینست که این مجمع خود را بعنوان سخنگوی کارگران به رسمیت بشناسند و در مقابل شوراهای اسلامی قد علم کنند. این مجامع باید هرچه بیشتر در قلمرو قرارداد دسته جمعی، حل اختلاف، ابراز نظر در باره طرحهای دولت، فعال شوند. رسمیت یافتن مجمع باید بعنوان یک شعار از طرف این جنبش مطرح شود.

۳- منظم بودن مجمع عمومی نیز هنوز ملاک نیست. مساله اصلی تشکیل آنها در شرایط رودررویی کارگران با دولت و کارفرماست. تلاش برای منظم کردن تشکیل مجمع (مستقل از وجود اعتراض و اعتصاب در واحد) کاری است که باید در دل جنبش مجمع عمومی به پیش برده شود.

۴- تلاش آگاهانه برای مرتبط کردن عملی مجامع با هم نیز یکی از مشخصات وجود جنبش مجمع عمومی است. جنبش مجمع عمومی راه انداختن یعنی هم ایجاد این مجامع در کارخانجات بعنوان یک رهبری آلترناتیو محلی، و هم ایجاد ارتباط میان مجامع برای ایجاد یک حرکت وسیعتر، با رهبری های منطقه‌ای و سراسری، قطعنامه ها و مصوبات و غیره اش. اینها کاری است که یک کارگر فعال "جنبش مجمع

باز هم درباره شورا ...

داشته باشیم، این تعبیر دوم موجه تر است. ادامه کاری اتحادیه ها گواه کارایی ذاتی بالاتر آنها و یا تناسب بیشتر آنها با مبارزه کارگری نیست بلکه ناشی از عوامل معینی است که امروز تا حدود زیادی موضوعیت خود را از دست داده اند.

۱- جنبش اتحادیه ای میتواند باقی ماندن در محدوده قانونیت بورژوازی را تضمین کند. این خاصیت اتحادیه است که عمل مستقیم کارگران را کنترل کند و به مجاری بوروکراتیک بیاندازد (دولت اتحادیه های انقلابی به اندازه شوراها مستعجل بوده است). لذا بخش معینی از بورژوازی خود خواهان ادامه کاری اتحادیه هاست (همان بخشی که در شرایط انقلابی رسماً صلاحیت و رسمیت اتحادیه ها را در برابر هر جنبش عمل مستقیم کارگری جار میزند).

۲- جنبش اتحادیه ای با یک جریان حزبی دولتی بورژوازی جوش خورده است. ادامه کاری جنبش اتحادیه ای روی دیگر سکه ادامه کاری سوسیال دمکراسی در تمایز با کمونسم و آنارکوسندیاالیسم است. اتحادیه آلترناتیو سوسیال دموکراسی در سازماندهی کارگران است. کمونیست ها میتوانند (و در موارد زیادی که کار دیگری از دستشان بر نمی آید، باید) این آلترناتیو را بپذیرند. اما تاریخ جنبش انقلابی طبقه کارگر گواه آنست که شوراها، به مثابه ارگانهای اعمال اراده مستقیم کارگران - نه فقط در امر اداره جامعه، بلکه در هر مبارزه اقتصادی و رفاهی نیز- آلترناتیو مستقل کمونیست ها هستند.

۳- تداوم قانونیت بورژوازی- رونق سرمایه داری. ظرفیت اتحادیه ها در کار قانونی و یا در چهارچوب قانونیت بورژوازی، نهایتاً به پابرجایی خود این قانونیت محدود میشود. ثبات سیاسی بورژوازی عاملی در تحکیم اتحادیه ها و بی ثباتی آن عاملی در تضعیف آن (به نفع اشکال اعمال اراده مستقل تر و مستقیم تر کارگران - نظیر کمیته های کارخانه و شوراها) است. نوسانات اقتصادی و بویژه فرکانس بحرانهای عمیق اقتصادی نیز همین نقش را دارد. تا امروز یک اتحادیه کارگری که توانسته باشد در متن بیکاری میلیونی مستمر قدرت خود را حفظ کند وجود نداشته، یا جنبش کارگری از زیر دست اتحادیه خارج شده و یا اتحادیه خود به اضمحلال و رکود کشیده شده. همین واقعیت امروز دارد جنبش سندیکایی را در سرزمینهایی که مادر این جنبش اند به قهقرا میبرد، و هم اکنون تلاشهای کارگران رادیکال و پیشرو برای ایجاد آلترناتیوهای عملی و اشکال نوینی از مبارزه در کنار و یا حتی در تقابل با اتحادیه آغاز شده است. بی ثباتی سیاسی آتی ایران و زیر سوال بودن تاریخی قانونیت بورژوازی در ایران (حتی در اوج استبداد آریامهری) عاملی مهم در عدم رشد اتحادیه های کارگری است. این فاکتوری است که ما نیز باید در افق که جلوی کارگر ایرانی امروز میگذاریم مد نظر داشته باشیم.

۴- مبارزه جنبش اتحادیه ای علیه رادیکالیسم کارگری در اشکال دیگر. چرا جنبش شورایی استمراری مشابه اتحادیه ها نداشته است؟ یکی از

دلایل ساده این امر مخالفت سیستماتیک جریان اتحادیه ای با سازمانیابی آلترناتیو کارگری است. در آمریکا این مساله پای کانگستر ها را به محیط کار گشوده است. در انگلستان هیچ رهبر TUC را پیدا نمیکند که در این یا آن مقطع در فعالیتش اعتصابی را نخواستند و کمیته اعتصاب و کمیته عملی را از رسمیت نیانداخته باشد. جنبش اتحادیه بطور قانونی (یعنی به حمایت دادگستری کشور مربوطه)، بطور منظم حق عضویت دریافت میکند و به بودجه های کلانی دسترسی دارد. بخش مهمی از این بودجه صرف آموزش سنت اتحادیه ای به کارگران فعال و ترویج ایده اتحادیه میشود (که بجای خویش نیکوست). اینکه امروز هر جا نام مبارزه اقتصادی و رفاهی کارگران برده میشود، "اتحادیه" به ذهن متبادر میشود ناشی از تعلق ذاتی و منحصر بفرد اتحادیه به این امر نیست، بلکه حاصل پراتیک اجتماعی معینی است که یکی از آلترناتیوهای موجود در سازمانیابی کارگران را-در تقابل با بقیه اشکالی که بدفعات در جنبش کارگری پیشنهاد شده و حتی پا گرفته است - به کرسی نشانده و در ذهنیت خودبخودی توده کارگران جای داده است.

عوامل زیادی را میتوان در توضیح رونق اتحادیه ها در قرن بیستم برشمرد. عواملی که امروز با کم رنگ شدن خود جنبش اتحادیه ای را به موقعیت نابسامانی سوق داده است. بحث ما اینست که مبارزه اقتصادی و رفاهی کارگری فی النفسه با اتحادیه تداعی نمیشود، بلکه میتوان در خود جنبش کارگری تلاشهای دیگری را نیز مشاهده کرد. یکی از اینها تلاش در جهت سازماندهی جنبش شورایی و کمیته های کارخانه است که سنتاً با جناح چپ جنبش کارگری تداعی میشود.

در زمستان ۱۳۶۵ بعنوان یک سند داخلی حزب کمونیست ایران نوشته شد و اولین بار در بسوی سوسیالیسم ۳، دوره دوم، بتاريخ مهرماه ۱۳۶۸ بچاپ رسید. مجموعه آثار، جلد ۶، صفحات ۱۴۹ تا ۱۵۸

مجمع عمومی ظرف ابراز وجود

مستقیم و مستمر کارگران است!

مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به هر

نیازی برپا کنید!

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!

اعدام قتل عمد دولتی است!

بهاره رهنما یک زینبی - سلبریتی فاشیست است

ملکه عزتی

"کسانی که تا ۳۰ سالگی نتوانسته اند زندگی مرفهی برای خود و خانواده شان فراهم کنند بی دست و پا هستند!" بهاره رهنما.

این اراجیف را هر اسکین هد فاشیست هم میگوید. در ایران عنترهای درباری و سلبریتی از مخ خالی، وقتی دهان باز میکنند، حال همه را به هم میزنند. ایشان هنرپیشه است اما تنها هنرش مزخرف گوئی است. این سخنان و دست بندی کردن زمخت مردم به "با دست و پا" و "بی دست و پا"، بیان دیگری از "پست" و "برتر" در هر نگرش برتری جویانه و فاشیستی است. و البته واکنش های درخور مردم فهیم به این آدم سطحی و دهن دریده، موجب شد باز بگوید غلط کردم. با وجود فیلم اظهاراتش وقیحانه دروغ بگوید، فاعل "هرکسی" را در جمله به "من" تبدیل کند تا درست در همان وقتی که فرار می کند و میگوید "غلط کردم" باز بگوید "دست و پا" دارد! این سخنان بهاره رهنما از مغز معیوب خودش درنیامده است، بلکه جویدن دوباره حرف بورژوائی است که دیگران را "بی سر و پا" میداند. کسانی که جامعه را جنگل فرض می کنند و "دست و پا" و "عرضه" و "قدرت رقابت" را اصول دین شان کرده اند. آنهایی که روی دوش فلاکت عده زیادی از شریف ترین انسانهای کارکن احساس قدرت می کنند و با فرهنگ لمپنهای اسکین هد حزب الهی هزیان می گویند!

تحقیر دیگران ریشه در بی شخصیتی تحقیر کننده دارد، کسی که کمبود و عقده های درمان نشده دارد، در اوج رفاه نیازمند است، باید جنجال راه بیاندازد تا اصولا بحساب آید. بله وی در این توهم است که چون خیلی با دست و پا است میتواند در رفاه زندگی کند! احتمالا حساب رهنما این است که ازدواج با آدمی که ثروت باد آورده ای را صاحب است، در ردیف دست و پا داشتن برای ایجاد یک زندگی مرفه است. رهنما حتما به گوشش خورده که هنرمندانی که با ساز حاکمیت نرقصیده اند نه در رفاه که در زیر فشار تامین زندگی کمرشان خم شده است. آنچه ظاهرا بهاره و همفکرانش نمیدانند و یا خود را به نفهمی میزنند اینست که ثروت و سامان هیچ تک نفری بدون فقر میلیونها انسان ممکن نمیشود. معیار دست و پا دار بودن بهاره رهنما مصداق وول خوردن در حباب زندگی انگل واری است که هیچ فاکتور اخلاقی و انسانی در آن حضور ندارد. ارزش این سخنان سخیف رهنما بخشا در آن است که طبقه انگلی که از طریق بند و بست و رانت خواری دستگاههای فاسد حکومتی و استثمار نیروی کار ارزان سرمایه های هنگفت اندوخته اند، از این نوع سخنان، از شدت خودشیفتگی و در ستایش "برتری" خود افسار پاره می کنند و خود را صاحب خصایص منحصر بفرد میدانند!

مگر همین چند وقت پیش یکی از همین خیل انگل و دزد نبود که ادعای "ژن برتر" را داشت؟ از منظر سرمایه داران و صاحبان قدرت آنها

دست و پا دارند و طبعا محق هستند دیگران را زیر دست و پایشان له کنند. براساس همین منطق است که هشتاد درصد ثروت و منابع مالی دنیا در اختیار یک درصد از ساکنان کره زمین است. بهاره رهنما و همپالگی هایش اسم مرضیه طاهریان زن کارگری که برای تامین زندگی و معیشت بخور و نمیر



جانش را داد نشنیده اند. مرضیه و مرضیه ها هر روز از نو کار می کنند و با ثروتی که خلق می کنند و به یغما میرود، طفیلی های سرمایه دار و امثال رهنماها ارتزاق می کنند تا خودشان شاید نان بخور و نمیری داشته باشند. مرضیه ها و اکثریت عظیم به فقر محکوم شدند تا رهنما و لایه ای نازک در رفاه و آزادی اراجیف گوئی احساس دست و پا داری کنند. مرضیه کارگر ریسندگی بعلت گیرکردن حجابی که با اجبار برسرش کردند لای ماشین ریسندگی دچار خفگی شد و جانش را از دست داد. قاتل مرضیه جمهوری اسلامی است که امثال بهاره رهنما را به ثروت و مکننت رسانده و مرضیه ها را به قتل و نابودی! رهنما از فرط شکم سیری پرت و پلا میگوید و مرضیه و هم طبقه ای های مرضیه یا زیر چرخ دنده ماشین کارخانه له میشوند یا در نيزارهای آبان با گلوله بر خاک می افتند.

در دنیایی که یک میلیارد گرسنه در آن زندگی میکنند دست و پا داشتن عامل هیچ تغییر و تحولی نیست، اما ظاهرا عقل رهنما به تشخیص این مهم قد نمیدهد. آنهایی که از نظر رهنما دست و پا دارند عاملین گرسنگی یک میلیارد انسان در کره زمین هستند. عاملین گور خوابی ها، عاملین فروش اعضای بدن، عاملین اعتیاد میلیونها جوان در خیابان و عاملین وجود فقر و فحشا، کودکان کار و دختران و زنان فراری که تن فروشی و اعتیاد کمترین فاجعه ای است که در کمین شان نشسته است. در میان همه این فجایع که روزانه زندگی ها را به تباهی میکشاند دست و پای صاحبان سرمایه و قدرت آشکارا دیده میشود. کارگرانی که نان سفره شان را با گرو گذاشتن کارت ملی تامین کردند، معلمانی که در کنار تدریس برای تامین زندگیشان به چند کار دیگر روی میاورند و همه آنهایی که با هر تلاشی که میکنند قادر به تامین سقفی برای خود و نزدیکانشان نیستند، کمبود "دست و پا" ندارند! دست و پایشان را کسانی قطع کرده اند که در سازماندهی استثمار شدید و انباشت سرمایه هرچه که توانسته اند، کرده اند. آنها که در همسایگی رهنما و در ویلاهای چند هزار متری زندگی میکنند سقفی برسر هیچکس روا نمیدارند.

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی آنان که رفاه خانواده را در سی سالگی تامین کرده اند کار شاقی نکرده اند. رانت خواری، زمین خواری، قاچاق کالا، استثمار، زد و بند، مواد مخدر و ... لیستی از قابلیتهایی است که این موجودات مورد احترام بهاره رهنما در کارنامه خود به وفور ثبت کرده اند. بهاره رهنما تحت سایه حکومت اسلامی فعلا میتواند در ستایش این موجودات نفرت انگیز که دست و پای تامین رفاه را دارند شعر بگوید و از زندگی انگل و ارشان فیلم

یادداشتها

سیاوش دانشور



حجاب اسلامی قاتل زنان به یاد مرضیه طاهریان کارگر نساجی

مرضیه طاهریان تنها ۲۱ سال داشت. جوانی با یک دنیا آرزو که لای چرخ دنده کارخانه مدفون شد. مرضیه کارگر کارخانه ریسندگی نساجی کویر در سمنان بود که حین کار به دلیل گیر کردن مقنعه درون چرخ دنده ماشین ریسندگی به قتل رسید.

معمولاً این تراژدی ها زیر تیتر "سوانح محیط کار" دسته بندی میشوند و در اکثر موارد عوامل وزارت کار که با کارفرمایان هماهنگ هستند، تقصیر را به گردن کارگر و "اشتباه" و "عدم رعایت" وی می اندازند تا کارفرمایان را تبرئه کنند.

واقعیست اینست که اینها "سوانح محل کار" نیستند، قتل‌های عمد در مراکز کار بدلیل فقدان استانداردهای ایمنی محیط کار است. قتل عمد کارفرمایی است چون تامین هزینه ایمنی کار ربط مستقیمی با میزان سود سرمایه دارد. تعداد کسانی که در محل کار طی سال به قتل می رسند معادل است با تلفات جنگهای گرم و خونین. اینها جنایت قانونی سرمایه داران است اما در این نظام قاتلین راست راست راه میروند و قانون حاکم مدافع کارفرماست.

حجاب اسلامی خونین

مورد مرضیه طاهریان اما صرفاً قتل در محیط کار بدلیل فقدان ایمنی کار نیست. این یک بخش آنست، بخش دیگر در مورد زنان کارگر قوانین آپارتاید جنسی و اسلامی است. حجاب از ابتدا با اسید و پونز و قمه و تیزبر اسلاميون و طی یک جنگ خونین با زنان اجباری شد. وادار کردن زنان به رعایت حجاب اسلامی و کار مشقت بار با یک کیسه زشت و سیاه، یعنی تحمیل فشار مضاعف فیزیکی و روانی همراه با مخاطرات جدی که جان امثال مرضیه طاهریان را می گیرد.

قاتل مرضیه جمهوری اسلامی و قوانین آپارتاید اسلامی است. قاتل مرضیه حاجی های فاسد و کارفرمایان هستند که از این قوانین سوبسید می گیرند. قاتل مرضیه ارتجاع و عقب ماندگی است که ضدیت با زن را به اوج رسانده است. مرضیه اولین قربانی نبود و متاسفانه آخرین هم نخواهد بود.

قتل زنان روزمره شده و شاخکهای جامعه در قبال این موج زن کشی بی حس شده است. تشدید مبارزه برای سرنگونی حکومت آپارتاید حافظ سرمایه گام اول و ضروری رهائی زنان و جامعه است.

یاد مرضیه طاهریان گرامی باد!

آش شور "چند همسری"!!!

طبق شرع انور اسلام هر مرد میتواند سه چهار زن رسمی و تعداد بیشتری "صیغه" داشته باشد. اصولاً اساس اصول و فروع و شرع اسلام در باره شکم و زیر شکم است. آش بحدی شور شده که صدای روزنامه آفتاب یزد را در آورده که چرا تبلیغات

چند همسری محوری شده است و چرا در اینستاگرام افرادی با زندگی مجلل شیدا به تبلیغ چند همسری می پردازند؟

نویسندگان آفتاب یزد به احتمال زیاد خودشان از همین جنس و از طایفه اسلاميون سرمایه دار هستند اما نگرانی دارند. نگرانی آنها از اصل چند همسری نیست بلکه اینست که "تشویق به چندهمسری و ترویج آن درحالی صورت میگیرد که بسیاری از جوانان بهدلیل مشکلات اقتصادی و معیشتی قادر به ازدواج و تشکیل خانواده نیستند چه برسد به ازدواج مجدد!"

بعبارت دیگر اگر جوانان وسع مالی و امکان ازدواج داشتند چنین تبلیغاتی اشکال نداشت اما در این شرایط میتواند به نفرت عمومی علیه اسلام و حکومتش منجر شود. آفتاب یزد دلسوز حکومت است و نق خانوادگی میزند. چون چند همسری را زیر سوال نمی برد بلکه بعنوان اصلی مردانه و حقی ویژه مردان در باره شرایط آن حرف میزند. آفتاب یزد جرات ندارد بگوید چرا زنان حق چند همسری ندارند و چرا این اسلام و قوانین اش نرینه و ضد زن و جاده یک طرفه است؟

"چند همسری" پدیده ای پیشا سرمایه داری و مربوط به اقتشار مرفه و مذهبی و آخوند مسلک است. چند همسری مکمل و کویل "صیغه" همان تن فروشی به روایت اسلامی اما با قانون کنیر و برده عهد پیامبر اسلام است. چند همسری باید ممنوع باشد و قوانین مترتب با آن لغو شود.

۷ نوامبر ۲۰۲۱

بهاره رهنما یک زینبی - سلبریتی فاشیست است ...

تهیه کند. اما نه او و نه هیچکسی مطلقاً حق ندارد بگوید چه کسی یا کسانی استحقاق رفاه و زندگی شایسته را دارد یا ندارد. بهتر است این هنرپیشه بی هنر و شاعر بیسواد دهانش را ببندد و بیشتر از این فضا را مسموم نکند.

رفاه و آزادی و امنیت و برخورداری از آموزش و سلامتی و علم و دانش و معاشرت و امکان بروز خلاقیت ها حق بی چون و چرای هر فرد و کل جامعه است. و این تنها به هم زدن قانون بازی و نظم کنونی توسط تولیدکنندگان کل ثروت میسر میشود. کارگران و مردمی که عزم جزم کردند که دست و پای این نظام را بشکنند و بزیر بکشند تا آزادی و امکانات و ثروت اجتماعی را در اختیار همگان بگذارند.

۱۱ نوامبر ۲۰۲۱

آزادی، برابری، رفاه همگانی!



اتحادیه اروپا را تحت فشار بگذاریم که به این بازی کثیف و غیر انسانی با دولت دست راستی بلاروس خاتمه دهد.

ما خواهان:

رسیدگی فوری به وضعیت تغذیه و بهداشت این پناهجویان از طریق مختلف هستیم

از دولتهای اروپایی می‌خواهیم که به قوانین کنوانسیون ژنو متعهد بمانند و مرزها را به روی پناهجویان باز کنند و بصورت سهمیه‌ای در کل کشورهای اروپایی پذیرای آنان باشند. از همه نهادهای مدافع حقوق پناهندگی و نهادهای حقوق بشر و انسانهای شرافتمند اروپا می‌خواهیم که با حساسیت به این فاجعه انسانی برخورد کنند و دولتها و نمایندگان پارلمان را به برخور مستولانه ترغیب کنند.

سخنی با پناهجویان و کسانی که قصد سفر دارند!

ما در عین حال از همه کسانی که به طور واقعی جانیشان در خطر جدی و فوری قرار نگرفته، می‌خواهیم که این مسیر دشوار و پر مخاطره را طی نکنند. از والدینی که فرزندانیشان را تحت نام دلسوزی و تامین "آیندهای بهتر" در این فصل سرما راهی اروپای زیر صفر درجه و بدون امکانات میکنند، می‌خواهیم که مسئولانه‌تر و دقیق‌تر تصمیم بگیرند و دلبندانشان را به مخاطره نیاندازند. زندگی بهتر و دنیای بهتر را با تلاش سازمان‌گرا نه در محیط زندگی خود نیز میتوان جستجو کرد. هزاران جوان کردستان عراق و یا ایرانی پا در مسیری گذاشته که به غایت سخت و مشوار است.

ما میدانیم دیکتاتوری هست و جلادان حاکم جز کشتار و زندان و فقر و تباهی چیز دیگری برای جوامع به ارمان نیاورده‌اند. ما نیز به جای فروش تنمه زندگی و یا زیر بار قرض رفتن برای تامین هزینه سفر بخشا نافرجام، خود را سازمان دهیم و دولتها و احزاب حاکم را به چالش بکشیم. خامنه‌ای و رئیسی جلاد، طالبانها، این وحوش تازه بقدرت رسیده و بشار اسد جنایتکار و سران احزاب حاکم بر اقلیم کردستان که میلیاردها دلار ثروت این جوامع را به تاراج برده‌اند با هزیمت هزاران هزار انسان نه تنها متاثر نمی‌شوند، بلکه بعنوان "دفع بلا" به آن می‌نگرند. لذا باید ماند و علیه وضع موجود و برای زندگی شرافتمندان و درخور انسان قرن بیست یکم مبارزه کرد و جنگید.

مرزها را به روی پناهجویان باز کنید!

پناهندگی حق است، نه جرم!

سعید آرمان،

دبیر سازمان سراسری پناهندگان ایرانی- بی مرز

پنجشنبه ۱۱ نوامبر ۲۰۲۱

پناهجویان قربانیان جنگ سرد بلاروس و اروپا

سعید آرمان

ماه‌هاست کشمکش دولتهای اروپایی با دولت بلاروس و تحریمهایی که علیه این کشور اعمال کرده‌اند موضوع مجادله و در راس اخبار جهان می‌باشد. در تقابل با این تحریمها دولت دست راستی بلاروس نیز از همان سلاح کهنه که دولت اردوغان علیه اروپا بدست گرفته بود اکنون استفاده می‌کند. دولت بلاروس با تسهیل ضوابط صدور ویزا در کشورهای متعدد از جمله ایران و عراق منجر به گسیل سیل عظیمی از پناهجویان فراری از دیکتاتوری حاکم و فقر و بی‌آیندگی، شده است. پروسه درآوری که دولت بلاروس در اوج شیبادی و برخورد معامله‌گرایی پناهجویان را با ارائه تسهیلاتی اندک وارد کشور میکند و آنان را راهی مسیر دهشتناک و بی‌آینده در مرز لهستان میکند. مرزی که دولت لهستان با تخصیص ۱۲ هزار نیروی ارتش و تنیده شده به سیم خاردار مرتفع و غیر قابل عبور، راه را به روی هزاران پناهجو که در میانشان کودکان خردسال نیز وجود دارند، مسدود نموده است.

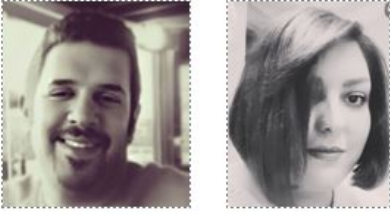
از شواهد پیداست که کشورهای اروپایی تاکنون نظارمگران خاموش و سنگ دلانی بیش نیستند و تاکنون علائمی مینی بر کوتاه آمدن در قبال دولت بلاروس و گشایشی در بن بست کنونی، ندارند. درست برخلاف تصور آن هزاران پناهجویی که پشت سیمهای خاردار و سرمای چند درجه زیر صفر مترصد ترحم اروپا و حقوق بشرشان هستند. کشمکش کنونی نوعی جنگ سرد میان بلاروس و اتحادیه اروپاست که قربانیانش آن هزاران پناهجویی هستند که در وضعیت بحرانی از نظر زیستی و بدون سرپناه و با کمترین امکانات غذایی و بهداشتی در سرمای زیر صفر درجه در انتظار بسر می‌برند. هنوز علیرغم تلاشهای انساندوستانه و اعتراضات گسترده امیدی به بهبود اوضاع و باز کردن مرز لهستان و سایر کشورهای به سمت اروپا در آینده نزدیک متصور نیست.

پناهجویان بازبچه دست کشورهای پناهنده پذیر و دولت بلاروس شده‌اند و در این میان قاچاقچیان انسان بعنوان دلال مشغول بازارگرایی برای تهیه ویزا جهت کسب درآمد، کورسوی انتهای تونل را به روزنه‌ای درخشان برای پناهجویان بدل می‌کنند و آنان را با امیدهای واهی فریب میدهند و به طی کردن این مسیر مبهم ترغیب میکنند. برای قاچاقچیان تهی از انسانیت شده‌ها مهم نیست چند کودک خردسال جان عزیزشان را از دست میدهند و داغ بر دل والدینشان میگذارند و یا تلاشهای پناهجویانی که برای عبور از مرز خود را به آب و آتش می‌زنند و نتیجه‌ای بدست نمی‌آورند، مهم این است که آنان از قبل این فاجعه انسانی چند ده هزار دلار عایدشان می‌شود.

چه باید کرد؟

قبل از هر چیز باید برای پایان دادن به این فاجعه انسانی تلاش کنیم تا

اعدام قتل عمد دولتی است!



ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کهر

اعتصاب کارگران ایران خودرو تبریز

روز شنبه ۱۵ آبان‌ماه کارگران ایران‌خودرو تبریز در اعتراض به تعویق در پرداخت حقوق ماهانه و اختلاف قیمت دریافتی کارگران مراکز تولیدی شرکت دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. کارگران همچنین اعلام کردند که در حالی که قیمت گذاری خودرو سراسری است و در دو سال گذشته شاهد افزایش ۵ برابری قیمت خودروهای تولیدی این کارخانه هستیم، متأسفانه دریافتی‌ها تغییری نداشته است. کارگران اعتصاب کننده در ایران خودرو تبریز، از ساعت ۷ صبح و با شروع فعالیت شیفت صبحگاهی ۵۰۰ کارگر فعال در واحدهای تولیدی این کارخانه دست به اعتصاب زده اند.

کارگران شرکت ایران‌خودرو خراسان دست به اعتصاب زدند

روز چهارشنبه ۱۹ آبان‌ماه کارگران شرکت ایران‌خودرو خراسان در اعتراض به سطح نازل حقوق و دستمزدها دست به اعتصاب زدند و در داخل کارخانه تجمع کردند. کارگران برای نهار به سالن غذاخوری نرفتند و در محیط کارخانه به تجمع خود ادامه دادند. "مدیر منابع انسانی" کارخانه برای گفتگو و مذاکره میان کارگران رفت. کارگران شرکت ایران‌خودرو خراسان که تعداد ۴۰۰۰ نفر می‌باشند به اضافه‌کاری اجباری و سطح پایین حقوق‌ها اعتراض دارند و خواهان حذف اعمال اضافه کاری اجباری و افزایش حقوق و مزایا هستند.

اعتصاب مجدد کارگران شهرداری بندرماهشهر

صبح روز شنبه ۱۵ آبان‌ماه کارگران بخش خدمات شهرداری ماهشهر در اعتراض به عدم پرداخت حقوق‌ها و عدم تبدیل وضعیت شغلی مجدداً مقابل فرمانداری بندر ماهشهر دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی کارگران اخراج شده‌ی سد شفارود

روز شنبه ۱۵ آبان‌ماه جمعی از کارگران اخراجی سد شفارود در اعتراض به عدم پرداخت چند ماه حقوق معوقه و با خواست بازگشت به کار مقابل استانداری گیلان دست به تجمع زدند. کارگران پروژه‌ی سد شفارود که تعدادشان به ۹۰۰ نفر می‌رسد بخاطر عدم پرداخت دستمزدها تحت فشارهای زیاد معیشتی قرار دارند. پروژه‌ی سد شفارود چند ماهی است بخاطر مشکلات اداری و مالی از سوی کارفرما و پیمانکار تعطیل شده است کارگران آن بیکار شده‌اند.

اجتماع پرستاران شاغل در سازمان تأمین اجتماعی

روز یکشنبه ۱۶ آبان، جمعی از پرستاران شاغل در سازمان تأمین اجتماعی در اعتراض به بی توجهی مسئولین به مطالباتشان مقابل مجلس دست به تجمع زدند. اجرای قانون مشاغل سخت و زیان آور، احتساب مدت سربازی بعنوان سوابق سختی شغل خود، افزایش احکام

حقوقی متناسب با وزارت بهداشت و تعلق فوق العاده ویژه از خواسته‌های این پرستاران است.

بیکاری کارگران کارخانه ریسندگی مان ریس

کارگران کارخانه ریسندگی «مان ریس» شاهین شهر می‌گویند: با گذشت حدود دو ماه و نیم از متوقف شدن فعالیت تولیدی کارخانه، منتظر اقدام جدی مسئولان برای از سرگیری تولید هستیم. کارخانه «مان ریس» حدود ۱۵۰ کارگر داشت که از زمان تعطیلی کارخانه کارگران منتظر بازگشایی این واحد هستند. در زمان تعطیلی، برخی مسئولان مشکلات بانکی را علت اصلی تعطیلی آن دانستند. برخی دیگر هم مشکل اصلی را فشار طلبکاران برای وصول طلب‌های مالی خود از کارخانه اعلام می‌کنند. کارگران می‌گویند این واحد تولیدکننده محصولات ریسندگی و بافندگی ظرفیت اشتغال حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ نفر را دارد، اما سرمایه‌گذار اصلی این کارخانه قصد فروش این واحد و سایر دارایی‌های آن را دارد و ما کارگران تا ورود سرمایه‌گذار جدید باید منتظر بمانیم و از مقرری بیمه بیکاری استفاده کنیم.

احضار کارگران معدن کرمان به دادسرا

خانواده یکی از کارگران بخش خصوصی معادن زغال سنگ شمال استان کرمان اعلام کردند که تعدادی از کارگران معترض که هفته‌های پیش در مقابل استانداری تجمع کرده بودند، به دادسرا احضار شدند. این تجمع از سوی کارگران در مورخ ۲۲ مهرماه در مقابل استانداری برای یکسان‌سازی حقوق کارگران معادن خصوصی با معادن دولتی، افزایش دستمزد، امنیت شغلی و اخذ قرارداد دائم صورت گرفته بود. دستور احضار کارگران به دادسرا زمانی به وقوع پیوست که در تجمع قبلی یکی از کارگران حوالی دو روز در بازداشت بوده و وعده پانزده روزه استنادار برای حل مشکلات کارگران نیز به پایان رسیده است.

تجمع اعتراضی کارگران معادن شرکت زغال‌سنگ کرمان

روز دوشنبه ۱۷ آبان‌ماه کارگران معادن شرکت زغال‌سنگ کرمان در اعتراض به طرح خصوصی سازی این معادن و واگذاری آنها به شرکت دالاهو مقابل اداره کار کرمان دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی کارگران سمتکو در تبریز

کارگران شرکت سمتکو تبریز (شرکت طراحی مهندسی و ساخت ابزار آلات سایپا) صبح امروز دوشنبه ۱۷ آبان‌ماه به دلیل شرایط نابسامان مدیریتی این کارخانه با تجمع در مقابل دفتر مسئولان، اعتراض کردند. چندماهی است این کارخانه مدیرعامل ندارد و از طرفی به دلایل نامعلومی روند تولید قطعات در این کارخانه با مشکلات جدی همراه است. کارگران خواستار تعیین تکلیف وضعیت کارخانه هستند.

ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی ...

برای سومین روز متوالی مقابل ساختمان اداره کار شهرستان شوش تجمع کردند. کارگران بازنشسته که همگی در اسفند سال ۹۹ بازنشسته شده‌اند، درباره موضوع مورد اختلاف خود با کارفرما گفتند: مورد اختلاف ما کارگران بازنشسته با کارفرما در خصوص میزان و نحوه محاسبه سنوات بازنشستگی است.

تجمع بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد
روز یکشنبه ۱۶ آبانماه جمعی از بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد خوزستان اصفهان مقابل ساختمان این صندوقها تجمع کردند. مطابق یکشنبه های اعتراضی بازنشستگان صندوق فولاد هر یکشنبه در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان دست به تجمع می‌زنند.

تجمع بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی اهواز
روز یکشنبه ۱۶ آبانماه بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی اهواز مقابل اداره کل تأمین اجتماعی این شهرستان تجمع اعتراضی برپا کردند. بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی نسبت به سطح نازل حقوق و مستمری‌ها، مشکلات بیمه تکمیلی و وضعیت بد معیشتی خود معترض هستند. بازنشستگان تأمین اجتماعی خواهان افزایش و همسان سازی کامل حقوق‌ها هستند.

تجمع اعتراضی معلمان بازنشسته سال ۹۹ به عدم پرداخت پاداش
روز سه‌شنبه ۱۸ آبانماه جمع‌هایی از معلمان بازنشسته سال ۹۹ از شهرهای مختلف در اعتراض به عدم پرداخت پاداش بازنشستگی مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند.

تجمعات سراسری فرهنگیان
پنج‌شنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۰ معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته با خواست با خواست رتبه بندی و همسان سازی حقوق در شهرهای مختلف ۲۲ استان کشور اجتماعات اعتراضی برگزار کردند.

قطع نامه ی پایانی تجمع پنج‌شنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۰ شورای هماهنگی فرهنگیان شریف

امروز پنج‌شنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۰ ما فرهنگیان در قالب شورای هماهنگی تشکلهای صنفی، در تجمعات گسترده ی سراسری، آمده ایم تا فریاد اعتراضی خود را نسبت به شیوه تقسیم بودجه و اختصاص درصد بسیار اندکی از سهم بودجه ی سالانه ی کشوری به آموزش و پرورش با توجه به جمعیت ۱۳ میلیونی دانش آموزان، جمعیت یک میلیونی معلمان، خانواده ی آنان و اهمیتی که نظام تعلیم و تربیت در زیرساختهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور دارد، اعلام کنیم. دولتها و مجلسهای گذشته بیش از ۱۴ سال است که اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری را برای آموزش و پرورش شاغلین و بازنشستگان به بهانه های گوناگون به تاخیر می اندازند. اجرای قانون را در حق فرهنگیان به بهانه‌ی افزایش تورم نادیده می گیرند. فرهنگیان که به زیر پا گذاشتن قانون توسط حاکمیت اعتراض می کنند، با برخوردهای شدید امنیتی مانند: زندان های طولانی مدت، ضرب و شتم در خیابان، اخراج، تبعید و محرومیت‌های گوناگون روبرو می شوند.

ما تجمع کنندگان به حاکمیت هشدار می دهیم که بدون

کارگران پیمانکاری شهرداری رودبار خواستار حذف پیمانکاران
کارگران شهرداری رودبار پس از تاخیر ۵ ماهه در دریافت حقوق، خواهان تبدیل وضعیت استخدامی خود و بر خورداری از قراردادهای دائمی کار هستند. کارگران قرارداد پیمانی شهرداری رودبار در استان گیلان گفتند: نزدیک به ۷۰ نفر هستند که برابر مقرر قانون کار در شهرداری رودبار مشغول کارند و با حضور پیمانکار هر ماه معوقات مزدیشان افزایش پیدا کرده و این موضوع آن‌ها را در شرایط بد مالی قرار داده است. کارگران خواهان تبدیل وضعیت استخدامی از کارگر پیمانکاری به قرارداد مستقیم و حذف پیمانکاران هستند.

اخراج کارگر کاشی اصفهان در پی اقدام به خودکشی
یکی از کارگران کارخانه کاشی اصفهان که طی روزهای اخیر با بالا رفتن از تانکر آب در پشت بام کارخانه، اقدام به خودکشی کرده و با حضور به موقع همکاران وی موفق به انجام این امر نشده بود، روز گذشته از کار اخراج شده است. پس از اعتراض این کارگر با سابقه کاشی اصفهان، دادستان نجف‌آباد دستور می‌دهد که مبلغ ۴۵ میلیون تومان از حقوق و مزایای معوقه وی را پرداخت کنند تا بتواند بخشی از مشکلات زندگی خود را رفع کرده و هزینه‌های ازدواج دخترش را بپردازد. اما زمانی که این کارگر صبح روز سه‌شنبه ۱۸ آبان به محل کار خود مراجعه می‌کند، اجازه ورود وی به کارخانه را نمی‌دهند و نیروهای حراست به او اعلام می‌کنند که از کار اخراج شده است. سرمایه‌گذار جدید کاشی اصفهان، کارگران قدیمی و با سابقه شرکت را به بهانه‌های مختلف اخراج می‌کند.

مرگ دلخراش کارگر جوان ریسندگی در سمنان
مرضیه طاهریان، کارگر ۲۱ ساله، با گیرکردن مقتعه‌اش در دستگاه ریسندگی یک کارخانه نساجی در شهرک صنعتی سمنان و کشیده‌شدن سر به داخل چرخ‌دنده‌های دستگاه، جانش را از دست داد. او قربانی حجاب اسلامی که در محیط کار پوشیدن آن اجباری است. مقتعه‌ای که ایمنی کار را بیشتر پائین آورد و باعث چنین فاجعه‌ای شد.

۴ کارگر در میاندوآب بر اثر سقوط بالابر کشته شدند
بر اثر سقوط دستگاه بالابر (آسانسور) از طبقه فوقانی یک ساختمان نیمه کاره در میاندوآب چهار کارگر ساختمانی کشته شدند. یکی از کارگران جانباخته ۲۳ ساله اهل میاندوآب، ۲ نفر آنان اهل روستای «سوگلی‌تپه» و یکی دیگر اهل روستای «ارمناک سفلی» بودند. از مجموع چهار کارگری که در این حادثه جان خود را از دست داده‌اند فقط یک نفر دارای بیمه تأمین اجتماعی بوده و سه نفر دیگر فاقد بیمه بوده‌اند.

تجمع اعتراضی کارگران بازنشسته سال ۹۹ شرکت هفت‌تپه
صبح امروز دوشنبه ۱۷ آبانماه جمعی از کارگران بازنشسته سال ۹۹ مجتمع نیشکر هفت‌تپه، در اعتراض به نحوه محاسبه سنوات خود،

به شیوه های گوناگون همچنان دنبال خواهد شد.

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

عسل محمدی و هیراد پیربدایی بازداشت شدند
روز شنبه ۱۵ آبانماه عسل محمدی و هیراد پیربدایی از فعالین مدافع حقوق کارگران توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند. نیروهای امنیتی با یورش به منزل این دو فعال کارگری اقدام به تفتیش منزل آنها کرده و سپس آنها را بازداشت و به اوین منتقل کرده‌اند.

تجمع کارکنان دانشگاه آزاد واحد ماهشهر
روز شنبه ۱۵ آبانماه، تعدادی از کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماهشهر با پهن کردن سفره خالی، خواهان پرداخت مطالبات مزدی خود شدند. این کارکنان می‌گویند: مدت هاست که حقوق ماهانه ما کامل داده نمی‌شود و دانشگاه علت این موضوع را کمبود و کاهش منابع مالی عنوان نموده است. آنها همچنین خواهان برطرف شدن مشکل عدم همسان‌سازی حقوق، مطالبات عقب افتاده و برخی مسائل مالی دیگر نظیر عدم پرداخت تسهیلات صندوق پس‌انداز کارکنان هستند.

تجمع اعتراضی کشاورزان اصفهان
روز دوشنبه ۱۷ آبانماه جمعی از کشاورزان اصفهان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان مقابل شرکت آب منطقه‌ای اصفهان تجمع کردند. روز سه‌شنبه ۱۸ آبانماه کشاورزان اصفهان پس از تجمع و اعتراضشان در سطح شهر اقدام به برپایی چادر بر بستر خشک زاینده‌رود کردند و شب گذشته را همانجا ماندند. روز چهارشنبه ۱۹ آبان‌ماه کشاورزان اصفهان در اعتراض به عدم تخصیص حق‌آبه تجمع خود را از سر گرفتند. گروه ویژه نیز برای سرکوب اعتراضات در محل اعزام شدند و شروع به ضرب و شتم معترضان نمودند.*

اغراض شخصی و جناحی، بدون فریبکاری، برای جلوگیری از انحطاط آموزش و پرورش کشور به خواسته های فرهنگیان توجه کرده و در برطرف کردن مشکلات آنان اقدام نماید.

آزادی معلمان زندانی / آموزش رایگان و باکیفیت برای جوانان / #اجرای_نظام_رتبه_بندی_۸۰_درصد_حقوق_هیات_علمی_دانشگاهها/ #اجرای_همسان_سازی_حقوق_بازنشستگان / بستن پرونده های فعالان صنفی / مشکلات آموزشیاران نهضت سواد آموزی / رسیدگی به مشکلات مربیان پیش دبستانی / پاداش پایان خدمت بازنشستگان/ پرداخت حق التدریس معلمان / رسیدگی به مشکلات معلمان خرید خدمت/ بازگشت به کار معلمان اخراجی / انتخاب وزیر از میان فرهنگیان، واگذار کردن مدیریت صندوق ذخیره ی فرهنگیان به سهامداران آن صندوق.

حاکمان بدانند، اعتراضات و تجمعات فرهنگیان و سایر اقشار معترض جامعه پاسخ به سوء تدبیر آنهاست. معلمان کشور در قالب شورای هماهنگی اعلام می کنند ، پیش تر موارد اشکال لایحه ی ثبت شده در سامانه ی مجلس، بوسیله ی شورای هماهنگی به آگاهی نمایندگان مجلس رسیده، بدون توجه به موارد یاد شده، هرگز اجرای ناقص رتبه بندی و همسان سازی حقوق بازنشستگان را نخواهند پذیرفت، در صورت ادامه ی بی اعتنایی به خواسته های آنان، در چند هفته ی آینده این اعتراضات

کانال تلویزیون آلترناتیو شورایی را بطور زنده و از طریق تلفن و یا اینترنت همه جای جهان دنبال کنید. شبکه مشترک ماهواره ای ۲۴ ساعته شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست را به دوستانتان معرفی کنید آدرس:

<https://alternative-shorai.tv/>

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار وره و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونیست

واکسیناسیون رایگان
با استانداردهای بهداشت جهانی،
حق فوری کلیه ساکنین ایران است!

شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست

COVID-19
Vaccine
رایگان
استانداردهای
بهداشت جهانی
برای همه



زنده باد سوسیالیسم!